بسم الله الرحمن الرحیم

کاربرد ادبیات عرب در سوره بقره آیه ۱۲۴[[1]](#footnote-1)

حسین مجتهدی[[2]](#footnote-2)

**چکیده:**

در این مقاله نقش ادبیات عرب در فهم قرآن کریم با محوریت آیه ۱۲۴ سوره بقره: «[*وَ إِذِ ابْتَلي‏ إِبْراهيمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّي جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتي‏ قالَ لا يَنالُ عَهْدِي الظَّالِمينَ*](http://tadabbor.org/?page=tadabbor&SOID=2&AYID=124)» مورد بر رسی قرار گرفت. برای ترجمه صحیح قرآن به طوری که معنا صحیح باشد، روی کلمات مستعمل در آیه مد نظر با دقت تامل کردیم. با مراجعه کردن به تفاسیر گوناگون و معجم های معتبر و سپس با تجزیه و ترکیب کردن کل آیه و با بررسی لغوی و ادبی که انجام شد، منظور خدای متعال بهتر فهمیده شد. در پایان توانستیم ترجمه ای صحیح از این ایه ارائه داده و سپس با سایر تراجم دیگر مقایسه کرده و عدم دقت برخی از مترجمین در بعضی از موارد ترجمه را آشکار کنیم.

**کلید واژه**: قرآن، صرف، نحو، لغت، ترجمه، سوره بقره آیه ۱۲۴، معنی شناسی.

**مقدمه:**

از آن جا که منبع هدایت انسان ها قرآن است، باید تامل عمیق بر معنای آیات این کتاب آسمانی ژرف نگر، داشته باشیم. تنها راهی که می توانیم آیات را خوب بفهمیم و هدف خداوند متعال را در قرآن دریافت کنیم از طریق یاد گرفتن قواعد ادبی است. در این پژوهش می خواهیم آیه ۱۲۴ سوره مبارکه بقره را از حیث ادبی بررسی کنیم. با تجزیه و ترکیب ادبی صحیح آیه، گام اول را در ترجمه آیه برمیداریم. سپس با کمک از علم لغت، کلمات آیه را ترجمه میکنیم. دیده می شود که بعضی از مترجمین خیلی دقت نمی کنند در ترجمه آیات قرآن. بنابراین لازم دانستیم که معنی دقیق کلام خدا را استخراج بکنیم. اما این آیه شریفه چرا انتخاب شده؟ آیه ۱۲۴ سوره بقره یک آیه کلیدی و بسیار مهم از لحاظ کلامی و عقیدتی هست فلذا خیلی هم مهم می باشد که به طور صحیح ترجمه شود که معنی اصای و مراد فهمیده شود.

**فصل اول: نکات تفسیری و کلامی**

**۱.۱:** کلمات و امتحانات

خداوند متعال در قرآن می فرماید که انسان در بلاها (کبَد) خلق شده است و قطعاً خواهد امتحان شد. این آزمایش ها که همه انسان ها توعمرشان با آنها مواجه می شوند «برای ظهور و بروز استعدادهای نهفته و تلاش و عمل انسان هاست.اگر انسان کاری نکند،استحقاق پاداش نخواهد یافت» (قرائتى، محسن، ، ج۱ ص ۱۹۸، ۱۳۸۸). انسان گاهی اوقات با شادی و اتفاقهای خوشحال کننده امتحان می شود و گاهی ار راه مصیبت ها. وقتی انسان صبر و تحمل می کند در دل این مصائب رشد می کند و به مقامات بالاتر می رسد. این آیه در مورد موفقیت حضرت ابراهیم در همه آزمایش ها که به آن حضرت داده شد است و ملاحظه می کنیم که «در هر آزمایشی که موفّق می شد، به مقامی می رسید: در مرحله نخستین، عبداللّه شد. سپس به مقام نبی اللهی رسید. و پس از آن رسول اللّه، خلیل اللّه و در نهایت به مقام امامت و رهبری مردم منصوب گردید» (قرائتى، محسن، ج۱، ص ۱۹۸، ۱۳۸۸). فلذا آشکار می شود که «اثر اين امتحان اين است كه صفات باطنى او را از قبيل اطاعت و شجاعت و سخاوت و عفت و علم و مقدار وفاء، و نيز صفات متقابل اين نامبرده را ظاهر سازد» (طباطبايى، محمدحسين، ج۱، ص ۴۵۷ ،۱۳۹۰). انسان نمی تواند به مراحل بالاتر برسد تا پیروز شود در امتحانات مرحله خودش و ملاحظه می کنیم در آیه شریفه که «پُست ها ومسئولیّت ها تدریجاً و پس از موفّقیّت در هر مرحله به افراد واگذار» (قرائتى، محسن، ج۱، ص ۱۹۸، ۱۳۸۸) می شود و نه قبل از آن. بعد از همه آن بلاهائى كه در زندگى اش مبتلا شد خداوند متعال امامت به او بخشيد .اين امتحانات و بلاها از جوونی آن حضرت شروع شدند و به شکل های مختلف بودند.

خداوند متعال در این آیه می فرماید که حضرت ابراهیم را با «کلمات» آزمایش کرد. مقصود این کلمه که استعمال شده «جمله هائى كه خداوند ابراهيم را به آن آزمود» است و این جمله ها «يك سلسله وظائف سنگين و مشكل بوده كه خدا بر دوش ابراهيم گذارده بود» (مكارم شيرازى، ناصر، ج ۱، ص ۴۳۷، ۱۳۷۱). این کلمات و وظائف امتحان های بسیار سختی بودند امّا حضرت ابراهیم در همه این امتحانات پیروز بود. آن امتحاناتی که آن حضرت به بهترین وجه انجام داد در تفسیر نمونه ذکر شده مانند:

الف) بردن همسر وی و حضرت اسماعیل که تنها پسر او بود در آن زمان به مکه که یک سرزمين خشكی بود مه نه آبی داشت و نه گیاه و آنها را در آن مکان گذاشت و رفت . حضرت ابراهیم واسه مدت طولانی دعا کرد که خداوند متعال به او یک فرزندی عطاء کند. حالا که یک فرزند صالح مثل حضرت اسماعیل نصیب او شد آماده می شود که او را رها کند در راه خدا.

ب)‌ آمادگی برای قربانی حضرت اسماعیل برای اطاعت از فرمان خدا.

ج) قيام برعلیه بت پرست ها و تحمل داشتن در دل آتش با توکل و ایمان و بدون ترس.

د) مهاجرت که بتواند وظائف وی را انجام دهد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی در تفسیر نور چند تا نکته دیگر هم عرض می کند كه به شرح زیر است:

«مراد از {كلمات} در آيه، امتحانات سنگين است كه حضرت ابراهيم از همه‌ى آنها پيروز بيرون آمد. نه عمو، نه همسر و نه فرزند هيچكدام نتوانستند مانع او در راه انجام وظيفه شوند. با آنكه ابراهيم تحت سرپرستى عمويش آزر بود، امّا با بت‌پرستى او و جامعه‌اش به مبارزه برخاست و بت‌شكن بزرگ تاريخ گرديد و آنگاه كه از سوى خدا مأموريّت يافت، همسر و فرزندش را در صحراى مكه ساكن نموده و براى تبليغ به نقطه‌اى ديگر برود، بى‌هيچ دلبستگى، آنها را به خدا سپرد و رفت. همچنين فرمان ذبح فرزندش اسماعيل آمد، رضاى خدا را بر هواى دل ترجيح داد و كارد بر گلوى فرزند نهاد» (قرائتى، محسن، ج۱، ص ۱۹۸، ۱۳۸۸).

بنابراین معنای «کلمات» در این آیه دستدورها هستند که از طریق این دستدورها حضرت ابراهیم آزمایش شد و توانست با موفقیت وی در این امتحانات به مقام امامت برسد.

**۱.۲**: انتخاب و انتصاب

و امّا امامت که یک درجه ای بالاتر از نبوت است که «انتصابی است نه انتخابی» (قرائتى، محسن، ، ج۱ ص ۱۹۸، ۱۳۸۸). از این آیه این نکته برداشت می شود که خود حضرت حق امام و حجت خودش روی زمین انتخاب می کند و جای انسان نیست که نظر خودش در این مسئله مطرح بکند. خداوند متعال «جاعل» است که به این معنی است که کسی به جز او نمی تواند یک انسانی را در جایگاه امامت بگذارد. خداوند متعال خالق همه بشریت است و «العالم» است. او بهتر از همه می داند کجا این عهد امامت را بگذارد که در این آیه شریفه می خوانیم: « الله اعلم حیث یجعل رسالته» (انعام/۱۲۴).

**۱.۳**:‌ امامت

حالا که حضرت ابراهیم از طرف خداوند متعال انتخاب شده است که امام برای مردم بشود سوال اینجاست که آیا فرقی هست بین مقام نبوت و امامت؟ علامه طباطبائی در تفسیر میزان وی به این نحو ثابت می کند که نه تنها تفاوتی بین این دو مقام وجود دارد بلکه مقام امامت افضل هست:

«(اماما) مفعول دوم عامل خودش است و عاملش كلمه (جاعلك) است و اسم فاعل اگر بمعناى گذشته باشد عمل نميكند و مفعول نمى‏گيرد، وقتى عمل ميكند كه يا بمعناى حال باشد و يا آينده و بنا بر اين قاعده، جمله‏ (إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً) وعده‏اى است به ابراهيم كه در آينده او را امام ميكند و خود اين جمله و وعده از راه وحى به ابراهيم (ع) ابلاغ شده، پس معلوم مى‏شود قبل از آنكه اين وعده به او برسد، پيغمبر بوده كه اين وحى به او شده، پس بطور قطع امامتى كه بعدها باو ميدهند، غير نبوتى است كه در آن حال داشته... امامت ابراهيم در اواخر عمر او و بعد از بشارت باسحاق و اسماعيل بوده (طباطبايى، محمدحسين، ج۱، ص ۴۰۹، ۱۳۹۰).

نکته مورد اشاره علامه یک نکته ادبی است و بعد از آن یک نکته تاریخی هم عرض می کند که ثابت می کند که حضرت ابراهيم پيامبر بود وقتی خداوند متعال به ایشان خبر امامت می رساند و آن هم از طریق وحی. فلذا معلوم می شود که مقام امامت متفاوت و بالاتر از مقام رسالت و نبوت است چون یک عمر زندگی کرد و وظائف پیامبری را انجام داد. این مقام جدیدی که به دست میارد در اواخر عمر او نمیتواند یکسان با مقام قبلی وی باشد و حتما وظائف دیگر همراه با این انتصاب باید بیاد. فرق بین وظائف امام و رسول و نبی چیست؟

فرق بین وظيفه امام و رسول اینست که « وظيفه امام اجراى دستورات الهى است در حالى كه وظيفه رسول ابلاغ اين دستورات مى باشد... امامت همان مقام رهبرى همه جانبه مادى و معنوى جسمى و روحانى و ظاهرى و باطنى است ، امام رئيس حكومت و پيشواى اجتماع و رهبر مذهبى و مربى اخلاق و رهبر باطنى و درونى است» (مكارم شيرازى، ناصر، ج ۱، ص ۴۴۱، ۱۳۷۱).

بنابراین به رسول وحی می شود و او آنرا حتما ابلاغ می کند و نیز شریعت جدید می آورد. علاوه بر این رسول «فرشته وحى را در بیدارى مشاهده مى کند» طبق حدیث از امام باقر. امام باقر در همان حدیث می فرماید مه «نبىّ کسى است که در خواب مى بیند ـ و وحى الهى را از این طریق دریافت مى دارد» (کلینى، ج ۱، ص ۱۷۶، ۱۳۷۹) و شریعت جدید نمی آورد. یک مقام که ما فوق این دو تا است مقام امامت است « كه با تشكيل يك حكومت الهى و بدست آوردن قدرتهاى لازم ، سعى مى كند احكام خدا را عملا اجرا و پياده نمايد» (مكارم شيرازى، ناصر، ج ۱، ص ۵۰۳، ۱۳۷۱) که قطعا وظیفه سنگینتر است.

و نکته پایانی این است که امامت در این آیه «عهد» نامیده شده. در آیهٔ ۴۰ همین سوره خداوند متعال می فرماید «أَوْفُوا بِعَهْدِی أُوفِ بِعَهْدِکُمْ». این آیه به این معناست که «اگر شما به امامی که من تعیین کردم وفادار بودید و اطاعت کردید من نیز به نصرت و یاری که قول داده ام وفا خواهم کرد» (قرائتى، محسن، ج۱، ص ۱۹۸، ۱۳۸۸).

**۱.۴**: ارثی نبودن امامت

حضرت ابراهیم از خداوند متعال تقاضا کرد که از نسل او هم امامان قرار دهد «تا اين رشته نبوت و امامت قطع نشود و قائم به شخص ‍ من نباشد» (مكارم شيرازى، ناصر، ج ۱، ص ۴۳۶، ۱۳۷۱). خداوند متعال در پاسخ فرمود که این عهد امامت خواهد رسید به نسل حضرت ابراهیم مانند حضرت محمد (ص) که هم نبی و رسول بود و هم امام بود و همه امامان از خانواده پاک ایشان بودند. امّا حضرت حق اینجا به یک نکته مهم اشاره می کند و آن اینست که آری درست است که این امامت به نسل حضرت ابراهیم خواهد رسید منتهی نه به این دلیل که آن شخص فرزند یا از دودمان آن حضرت هست. بلکه «منشأ امامت وراثت نیست، لیاقت است که با پیروزی در امتحانات الهی ثابت می گردد» (قرائتى، محسن، ج۱، ص ۱۹۸، ۱۳۸۸). پس به این راحتی نیست که کسی به یک مقامی برسد چون پدر وی یه شخص والا مقام بود. مانند قصه حضرت نوح که پسر وی قرق شد و با او سوار کشتی نجات نشد.

**۱.۵**: ظلم

امام کسی است که خداوند متعال را کاملا اطاعت می کند. بعنی حتی «يك لحظه گناه و نافرمانى و سوء پيشينه سبب مى گردد كه لياقت اين مقام سلب گردد» (مكارم شيرازى، ناصر، ج ۱، ص ۴۴۲، ۱۳۷۱). ظالم بودن «مطلق هر كسى است كه ظلمى از او صادر شود، هر چند آن كسى كه يك ظلم و آنهم ظلمى بسيار كوچك مرتكب شده باشد، حال چه اينكه آن ظلم شرك باشد، و چه معصيت ، چه اينكه در همه عمرش باشد، و چه اينكه در ابتداء باشد، و بعد توبه كرده و صالح شده باشد، هيچيك از اين افراد نمى توانند امام باشند، پس امام تنها آن كسى است كه در تمامى عمرش حتى كوچكترين ظلمى را مرتكب نشده باشد» (طباطبايى، محمدحسين، ج ۱، ص ۴۵۸، ۱۳۹۰).  
علاوه بر این «از اهمّ شرایط رهبری،عدالت و حسن سابقه است.هرکس سابقه شرک وظلم داشته باشد،لایق امامت نیست» (قرائتى، محسن، ج۱، ص ۱۹۸، ۱۳۸۸). بنابراین امام باید پاکیزه از هر نوع معصیتی باشد چه کوچک چه بزرگ چون ایشان الگو و نماینده دین خدا است. حجت خدا باید افضل از همه باشد و مردم نمی توانند از یک رهبری که می تواند خطا کند یا در گذشته مرتکب گناه شد اطاعت کنند.

**فصل دوم: معنی شناسی و صرف**

**2.1:** ابْتَلي

کلمه «ابتلی» فعل معتل و معلوم است بر وزن افتعل که صیغه اول ماضی است. حروف اصلی این فعل ب/ل/ی هستند.

معنی: {ابراهیم را} آزمود یا او را در بوته آزمایش قرار داد.

**2.2:** کَلِماتٍ

«کلمات» اسم جمع مؤنث سالم و جامد غیر مصدری است که حروف اصلی آن ک/ل/م هستند.

معنی:‌ «کلمات» جمع «کَلِم» است که معنای آن لغت و سخن و گفتار می باشد. به بیان و واژه ها می گویند «کَلِمات» (آذرنوش، آذرتاش، ج۱ ص ۹۳۶، ۱۳۹۸).

**2.3**: أَتَمَّهُنَّ

کلمه «أَتَمَّهُنَّ» فعل صحیح و معلوم است بر وزن افعل که صیغه اول ماضی است. حروف اصلی این فعل ت/م/م هستند که بعد از اجرای قاعده دوم ادغام تبدیل می شود به :تمّ-أَتَمَّ.

معنی: علامه طباطبایی یک بحث اینجا مترح می کند در کتاب «المیزان فی تفسیر القرآن» در مورد مرجع ضمیر. می فرماید که:«اگر ضمير در (اتمهن ) به ابراهيم برگردد، معنايش اين ميشود كه ابراهيم آن كلمات را تمام كرد، يعنى آنچه را خدا از او مى خواست انجام داد، و امتثال نمود، و اما اگر ضمير در آن بخداى تعالى برگردد، همچنانكه ظاهر هم همين است ، آنوقت معنا اين ميشود كه خدا آن كلمات را تمام كرد، يعنى توفيق را شامل حال ابراهيم كرد و مساعدتش فرمود تا همانطور كه وى ميخواست دستورش را عمل كند» (طباطبايى، محمدحسين،۱۳۹۰، ج۱ ص ۴۵۷).

امّا حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی در تفسیر نور وی اینطوری ترجمه می کنند: «و او به خوبی از عهده آزمایش برآمد». فلذا معنای أَتَمَّ می شود «آن چیز را کامل کرد» منتهی راجع به فاعل در این آیه اختلاف نظر هست.

**2.4:** جاعل

کلمه «جاعل» اسم فاعل ثلاثی مجرد بر وزن فاعل است که حروف اصلی آن ج/ع/ل می باشد. جاعل نیز مفرد مذکر حقیقی و معرب هست.

معنی: طبق معجم الوسیط معنای کلمه جاعل «ناشء» یا «انشئه» است (مصتفی، ابراهیم، ج۱، ص ۱۲۵، ۱۹۸۹). معنی اسم فاعل ج/ع/ل «جعل کننده» است یا انتصاب کننده. جعل کننده یعنی تعیین کننده.

**2.5**: امام

اسم مفرد مذکر حقیقی است که حروف اصلی آن ء/م/م می باشد.

معنی: در قاموس قرآن نوشته: «پيشوا. راغب گويد: امام آنست كه از وى پيروى و بوى‌ اقتدا شود، خواه انسان باشد يا كتاب يا غير آن، حق باشد يا باطل جمع آن‌ أَئِمَّه‌ است. در قاموس گفته امام آنست كه از وى پيروى شود رئيس باشد يا غير آن» (قرشی، سید علی اکبر، ج۱، ص ۱۲۱، ۱۳۸۸). یعنی کسى که به او اقتدا مى شود.

آیت الله مکارم شیرازی می در این مورد می فرماید که: « حتى اگر مادر را اُمّ مى گویند، یا بر اصل و اساس هر چیزى واژه «اُمّ» اطلاق مى شود، به خاطر آن است که مقصود انسان، و مورد توجه او است; همچنین امام به معنى مقتدا به کسى گفته مى شود که مردم با قصد و توجه خاص به سراغ او مى روند» (مكارم شيرازى، ناصر، ج ۹، ص ۱۳۰، ۱۳۸۶).

**2.6**: ذُرِّيَّه

کلمه «ذُرِّيَّه» اسمی است که در ریشه فعلش اختلاف هست. راغب اصفهانی سه نظر مطرح می کند:۱)‌ از ذرأ گرفته شده که همزه آن هنگام اتصال به یاء نسبت حذف شده. ۲) از ذرو گرفته شده و بر وزن فعلیه شد ذرویه که با اجرای قاعده ادغام وقتی حرف واو و یاء کنار هم بیایند حرف واو به یاء تبدیل می شود و در آن ادغام می شود.

۳) از ذرر گرفته شده و بر وزن فعلیه است.  
جمع آن «ذَرَارِيّ» یا «ذُرِّيَّات» می باشد.

اسم جامد غیر مصدری و مفرد مؤنث می باشد.

معنی: معنی ذ/ر/ء و نیز ذ/ر/ر نسل است و احتمال هست که کلمه «ذریه» از یکی از این دو ریشه آمده است (مصتفی، ابراهیم، ج۱، ص۳۱۰، ۱۹۸۹). نسب، آل و عترت کلمات مرادف با ذریه هستند.

**2.7**: ینال

کلمه «ینال» فعل معتل و معلوم است بر وزن یِفعلُ که صیغه اول مضارع است. حروف اصلی این فعل ن/ی/ل هستند.

معنی: رسیدن (قرشی، سید علی اکبر، ج ۷، ص ۱۳۳، ۱۳۸۸). یک معنای دیگر مه در معجم الوسیط آمده «عطاء» و «نصیب» است که در واقع مخالفت نمی کند با معنی اول (مصتفی، ابراهیم، ج۱، ص۹۶۴، ۱۹۸۹). بنابراین معنی ینال در این آیه به این معناست که این عهد خداوند متعال که امامت می باشد به ظالمین نمی رسد یا نصیب آنها نمی شود به علّت ظالم بودن آنها.

**2.8:** عهد

کلمه «عهد» اسم ثلاثی مجرد معرفه و مصدر مفرد مذکر است.

معنی: نگهداری و مراعات پی در پی در شیء (قرشی، سید علی اکبر،ج۵، ص ۵۹، ۱۳۸۸). عهد یعنی یک چیزی که لازم الحفظ یا مراعات است.

**2.9:** الظالمین

کلمه «ظالمین» اسم فاعل ثلاثی مجرد است بر وزن فاعلین و جمع مذکر (حقیقی) سالم است که حروف اصلی آن ظ/ل/م می باشد. آن نیز مشتق و معرفه و عامل و معرب می باشد.

معنی: ظلم به آن چیز می گویند که «جاوز الحد» باشد یا وضع شیء در غیر موضع خود (مصتفی، ابراهیم، ج۱، ص۹۶۴، ۱۹۸۹). بنابراین ظلم ضرورتا یک ستم بزرگی نیست بلکه گناه های کوچیک و ریز هم شامل این تعریف می شوند.

**فصل سوم: نحو**

**3.1:**

**إِذ:** ظرف و مفعول به برای فعل محذوف (اذکر)

**ابْتَلي:** فعل ماضی

**إِبْراهيمَ:** مفعول به

**رَبُّهُ**: فاعل و مضاف الیه

**بِکَلِماتٍ:** جار (باء به معنی استعانة) و مجرور متعلق به «ابتلی»

**فَأَتَمَّهُنَّ:** فا‌‌ء عطف و فعل مضارع و فاعل (هو) و مفعول به (هنّ)

**قالَ:** فعل ماضی و فاعل (هو)

**إِنِّي:** حرف مُشبّهَت بالفعل (ناسخ) و اسم إنّ

**جاعِلُکَ:** خبر إنّ واسم فاعل و مفعول به اول

**لِلنَّاسِ:** جار و مجرور متعلق به «جاعل» و ال تعریف

**إِماماً:** مفعول دوم برای «جاعل»

**قالَ:** فعل ماضی و فاعل (هو)

**مِنْ:** حرف جَر بمعنای ظرفیت (آیا امامت در نسل من خواهد رسید؟) متعلق به «قال»

**ذُرِّيَّتي:** مجرور و مضاف الیه

**لا يَنالُ:** لا نافیه بر سر فعل مضارع آمده.

**عَهْدِي:** فاعل «ینال» و مضاف الیه

**الظَّالِمينَ:** ال تعریف و مفعول به

**فصل چهارم: ترجمه روان ادبی آیه**

**4.1:** ترجمه های مترجمین قرآن:

- مکارم شیرازی:

(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند).»

- انصاریان:

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری [دشوار و سخت] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی ولیاقت او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا و امام قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگار] فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی رسد.

- الهی قمشه‌ای:

و (به یاد آر) هنگامی که خدا ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به جای آورد، خدا به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزینم، ابراهیم عرض کرد: به فرزندان من چه؟ فرمود: (اگر شایسته باشند می‌دهم، زیرا) عهد من به مردم ستمکار نخواهد رسید.

- موسوی همدانی (ترجمه المیزان):

و چون پروردگار ابراهیم ، وی را با صحنه هایی بیازمود و او بحد کامل آن امتحانات را انجام بداد ، بوی گفت: من تو را امام خواهم کرد ابراهیم گفت: از ذریه ام نیز کسانی را بامامت برسان فرمود عهد من بستمگران نمی رسد.

**4.2:** ترجمه از لحاظ ادبی:

و[یاد کنید] وقتی ابراهیم را پروردگارش آزمود به وسیله سخن ها و او کامل کرد آنها را. او (خداوند) فرمود: «همانا من تو را امام قرار خواهم داد برای مردم». او (ابراهیم) فرمود: «و از دودمان من؟». او (خداوند) فرمود: « نمی‌رسد پیمان من به ستمکاران».

مقایسه:

الف) بعضی از مترجمین در معنای «ربه» دقت کافی نکردند و آنرا «خدا» یا «خداوند» ترجمه کرده اند در صورتی که چه بسا شخصی موجودی را خدا بداند اما پروردگار خویش نداند همچون مشرکین مکه.

ب) بعضی از مترجمین «ربه» را همراه با مضاف الیه ترجمه نکردند.

ج) بعضی از مترجمین «جاعلک» را به طور ماضی ترجمه کردند و این نوع ترجمه کردن مردود است چرا که علامه طباطبايی می فرماید: «(اماما) مفعول دوم عامل خودش است و عاملش كلمه (جاعلك) است و اسم فاعل اگر بمعناى گذشته باشد عمل نميكند و مفعول نمى‏گيرد، وقتى عمل ميكند كه يا بمعناى حال باشد و يا آينده و بنا بر اين قاعده، جمله‏ (إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً) وعده‏اى است به ابراهيم كه در آينده او را امام ميكند (طباطبايى، محمدحسين، ج۱، ص ۴۰۹، ۱۳۹۰).

د) بعضی از مترجمین لفظ «ناس» را به طور صحیح ترجمه نکردند و به معنای خلق گرفته اند در حالی که معنای خلق گسترده از معنای مردم یا ناس می باشد.

**نتیجه گیری:**

با توجه به آنچه در متن مقاله بدان اشاره گردید، وقتی یک مترجم روی معانی و تجزیه و ترکیب کلمات تدقیق و تامل نکند، به طور صحیح و با همان ظرافتی که خداوند متعال با چینش منحصر به فرد کلمات پر مغز عربی مفهوم مد نطرش را بیان کرده، آیات قرآن را معنا و‌ترجمه نمیتواند بکند. اما در این مقاله کوشش شد با پیدا کردن معانی صحیح و دقیق کلمات قرآن و تجزیه و ترکیب ناظر به معنای مراد خداوند متعال با توجه به قرائن و مجموعه آیات قرآن، آیه ۱۲۴ سوره بقره را ترجمه کرده و سپس به بررسی برخی اشکالات ترجمه بعضی از مترجمین بپردازیم. نتیجه این بررسی ها نشان میدهد که بعضی از مترجمین در ترجمه کلمات به طور دقیق ترجمه نکردند و بعضی دیگر از مترجمین هنگامی که برخی الفاظ را داشتند ترجمه میکردند به جایگاه نحوی آن کلمات مانند «جاعلک» و «ربه» توجه دقیق نکردند. به همین خاطر نتوانستند آنطوری که صحیح است و مراد پروردگار است ترجمه کنند.

**منابع و مآخذ**

**۱)** طباطبايى، محمدحسين، **ا**لمیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات/ چاپ ۲/ ۱۳۹۰ ه. ق/ لبنان- بيروت‏

۲) مكارم شيرازى، ناصر، و جمعى از نويسندگان،‏ تفسیر نمونه، دار الكتب الإسلامية/ چاپ ۱۹/ ۱۳۷۱ ه. ش/ ايران- تهران‏

۳) قرائتى، محسن، تفسیر نور، مركز فرهنگى درسهايى از قرآن/چاپ ۱/۱۳۸۸ ه. ش/ ايران- تهران

۴) صفايى، غلامعلى، ‏بدائىة النحو، مديريه العامه للحوزه العلميه، لجنه ادراه/ چاپ ۲/ ۱۳۸۶ه. ش/ قم- ايران

۵) طباطبايى، سید محمد رضا، صرف ساده، انتشارات دار العلم/ چاپ ۸۵/ ۱۳۸۶ه. ش/ قم- ايران

۶) قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، دارالكتب اسلامیه/ چاپ ۶/۱۳۸۸ ه. ش/ ايران- تهران

۷) الطنطاوی، الدکتور محمد سید، معجم اعراب الفاظ قرآن کریم، انتشارات ژکان/ چاپ ۱/ ۱۳۹۲ه. ش/ قم- ايران

۸) مصتفی، ابراهیم، معجم الوسیط، دار الدعوه/‍۱۹۸۹ م./استانبول-ترکیه

۹) آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، نشر نی/چاپ ۲۰/ ۱۳۹۸ ه.ش/تهران-ایران

۱۰) كليني، شیخ ابوجعفر محمّد بن یعقوب، اصول کافی، دار الکتب الإسلامیة/ چاپ ۴/ ۱۴۰۷ ق/ تهران-ایران

۱۱) مكارم شيرازى، ناصر، با همكاري جمعي از فضلا، پیام قرآن: روش تازه ای در تفسیر موضوعی قرآن، دارالكتب الاسلاميه/ چاپ ۹/ ۱۳۸۶ه.ش/ تهران-ایران ‌

1. دانش آموخته مدرسه علمیه علوی – پایه دوم سال تحصیلی 1398-1399 [↑](#footnote-ref-1)
2. استاد راهنما: حجت الاسلام رجبی زیدعزه [↑](#footnote-ref-2)